

بیمه عمر از منظر فقه و حقوق اسلامی

رضا پرتوی زاده بنام^۱

سید محمد رضا آیتی

چکیده

علیرغم آنکه متجاوز از چندین دهه از پیدایش بیمه و قراردادهای بیمه عمر در ایران می‌گذرد، این بخش از قراردادهای بیمه به دلایل فرهنگی، فقهی و حقوقی هنوز جایگاه واقعی خود را در نظام حقوقی و فقهی پیدا نکرده‌اند و به دلیل ارتباط آن با حیات و ممت انسان دارای ماهیت و ویژگی خاص بوده و تفاوت چشمگیری با سایر قراردادهای بیمه دارند. از این رو مسایل عمده و اساسی حقوقی قراردادهای بیمه عمر عملاً خارج از حوزه قوانین باقی مانده و باعث بروز مشکلات و شبهات فقهی و حقوقی این قراردادها شده است. فقهای اسلامی درباره ماهیت و مشروعیت بیمه عمر اختلاف دارند؛ به طوری که بعضی آن را به طور کلی نامشروع و به مانند قمار و از مصادیق گروبنندی و تحدی با قضا و قدر و اکل مال به باطل و عقدی معلق و سفهی و غرری شمرده‌اند و بعضی دیگر با تطبیق بیمه عمر با تعاون و صلح و جعاله و ضمان و اجاره و ودیعه و سلم و هبه و مضاربه آن را مشروع دانسته، با استناد به اصول آزادی و صحت و لزوم قراردادها همه انواع بیمه عمر را پذیرفته‌اند. موافقان، اشکال‌های ذکر شده برای صحت عقد بیمه را مانند ضمان مالم یجب و غرر و تعلیق یا در عقد بیمه وارد ندیده‌اند و یا مستند آنها را از نظر استدلالی ضعیف یافته‌اند. بررسی ادله فقهای مخالف بیمه عمر و پاسخ به آنها - که معاملات کنونی بیمه را نامشروع و دارای شبهه‌هایی چون ربا و غرور و جهالت و قمار و رهان و... دانسته و آن را قراردادی فاسد می‌دانند - بسیار اهمیت دارد.

واژگان کلیدی

بیمه، بیمه اشخاص، بیمه عمر، ربا، توثیق

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسؤول)
Email: Rezapar45@hotmail.com

بیمه عمر از منظر فقه و حقوق اسلامی

بیمه و به‌ویژه بیمه عمر از مسایل جدیدی است که دانشمندان اسلامی را برانگیخت تا به تبیین حکم شرعی آن برای مردم اقدام نمایند. فقها در مشروعیت عقد و ماهیت بیمه عمر دچار آرای موافق و مخالف شده‌اند. قراردادهای بیمه عمر به شکل امروزی آن از سده پانزدهم میلادی رواج پیدا کرده و در نیمه دوم قرن نوزدهم پیشرفت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده‌اند. اصولاً انواع بیمه یک نوع تأمین را برای بیمه‌گذار ایجاد می‌کند. در بیمه‌های اشخاص بیمه‌گر با صدور بیمه‌نامه برای بیمه‌گذار آرامش و تأمین فراهم می‌کند. در بیمه‌های عمر این تأمین علاوه بر جبران نیازهای اقتصادی، از لحاظ اجتماعی هم حایز اهمیت است. در بیمه عمر و پس‌انداز اهداف یاد شده به کامل‌ترین شکل وجود دارند؛ یعنی عمر و پس‌انداز هم باعث تأمین آتیه بازماندگان بیمه شده می‌شود و هم یک نوع سرمایه را ایجاد می‌کند. در بیمه عمر و پس‌انداز اگر بیمه شده در طول مدت بیمه فوت کند و یا در پایان زمان بیمه‌نامه زنده باشد، بیمه‌گر سرمایه را می‌پردازد و تنها شرط لازم اعتبار بیمه‌نامه است که وابسته به پرداخت حق بیمه در سررسیدهای مقرر خواهد بود. بدین لحاظ این نوع بیمه‌نامه علاوه بر این که دارای خصوصیت و عنصر تأمین بوده، مشکلات اقتصادی بازمانده‌ها را پوشش می‌دهد و دارای عنصر پس‌انداز و تشکیل سرمایه نیز می‌باشد که عنصر بسیار باارزشی است.

در این بیمه بخش زیادی از حق بیمه‌ها توسط بیمه‌گر پس‌انداز می‌شود که در نهایت این پس‌اندازها در پایان مدت بیمه‌نامه، سرمایه بیمه را شکل می‌دهد. شرکت‌های بیمه می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های خوبی را با این ذخیره‌ها انجام داده و به تحقق توسعه اقتصادی در سطح کلان کمک کنند.

توسعه بیمه‌های عمر به‌ویژه بیمه‌های عمر انفرادی در کشور ما قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی به هیچ وجه چشمگیر نبوده است و در سال‌های ۶۰ تا ۶۲ بیمه آسیا حدود ۱۰۰۰ فقره از این بیمه‌نامه‌ها را صادر کرد، ولی به دلیل پایین بودن نرخ بهره فنی آن چندان مورد استقبال قرار نگرفت.

در کشورهای اسلامی بررسی بیمه عمر از دیدگاه فقهی بسیار حایز اهمیت است؛ چون ذخایر فنی شکل گرفته از بیمه‌های عمر امکان سرمایه‌گذاری در بخش‌های عمومی و خصوصی را فراهم می‌کند و ضمن ایجاد اشتغال به افزایش تولید ملی منجر خواهد شد.

از نظر تعدد و تکثر بیمه‌های جدید در عصر حاضر و لزوم بررسی مشروعیت و احکام این قراردادها مسائل بیمه عمر و پاسخ به شبهات و ابهامات وارده به آن از جدیدترین مسایل روز است و بررسی قوانین بیمه‌های اشخاص و عمر نارسایی‌های آن را برطرف خواهد کرد.

درباره اصل بیمه از دیدگاه فقهای اسلامی و نظرات موافق و مخالف تحقیقاتی انجام شده که این بررسی‌ها عموماً ناظر بر مشروعیت اصل بیمه است، ولی بررسی ادله فقهای مخالف بسیار مورد توجه حقوقدانان بوده است؛ به‌عنوان مثال: استاد مطهری در کتاب بررسی فقهی مسأله بیمه به اصل بیمه از دیدگاه فقها پرداخته و در نگاهی گذرا به بیمه عمر مشروعیت آن را رد کرده است.

این قراردادها دارای سابقه‌ای طولانی نبوده و عملاً از قرن هفدهم میلادی رواج یافته است؛ لذا از اقوال معصومین (علیهم‌السلام) و کتب فقهای متقدم ذکری از بیمه به میان نیامده است. همین امر در ابتدا در حقوق کامن لا به‌عنوان اولین سیستمی که این قراردادها در آن رواج یافته‌اند و سپس حقوق اسلام موجب تردیدهایی در مورد اعتبار و مشروعیت این نوع قراردادهای بیمه شده است. در

این تحقیق از مقالات و نوشته‌های متعددی در تبیین جایگاه فقهی و حقوقی از دیدگاه مخالفان بیمه گردآوری شده است.

الف- ادله مخالفان بیمه عمر از دیدگاه حقوق اسلامی

در جهان تشیع فقها بر دو گروه مخالف و موافق بیمه عمر هستند؛ ولی اکثر مراجع تقلید ضمن رد ادله مخالفین، قائل به جواز بیمه هستند و آن را به عقود محصور در کتب فقهی چون صلح و هبه معوض و ضمان معوض و... قیاس نموده‌اند و گاهی آن را عقدی مستقل و مؤید به ادله عمومی از قرآن و سنت دانسته‌اند.

آن دسته از فقهای مخالف عقیده دارند که معاملات کنونی بیمه نامشروع و دارای شبهه‌هایی چون: ربا و غرور و جهالت و قمار و رهان و غیر است؛ به همین دلیل به بطلان و فساد آن فتوی داده‌اند که به نقد و بررسی ادله آنان خواهیم پرداخت. مهم‌ترین ادله این گروه عبارت است از:

۱- ربا: ربا به‌عنوان عملی که قبل از ظهور دین اسلام رواج داشته و ممنوع نبوده است به موجب حکم صریح قرآنی حرام (بقره/ ۲۷۵، ۲۷۸ و ۲۷۹) و ممنوع اعلام شده است. ربا در میان معارضین به «تنزیل» نیز معروف است و تقسیم‌بندی آن به ربای معاملی و ربای قرضی باعث نمی‌شود تا مفهوم «زیاده‌خواهی» و «زیاده‌گیری» از آن انفصال یابد (رشید و بهجه البیطار، ۱۴۰۶ هـ/ ۱۹۸۶ م، ص ۱۲۴).

در محسوب کردن قرار دادن بیمه عمر به‌عنوان معامله ربوی گفته شده: «اگر مدتی که در آن متقاضی بیمه، تأمین بیمه‌ای را خواسته، برای مثال: در پنج سال خاتمه یابد، در این صورت ذی‌نفع مبلغی را که به‌صورت اقساطی پرداخت نموده همراه با مبلغ اضافی، بدون اینکه عوضی برای آن پرداخت نموده باشد، دریافت

می‌دارد و این مبلغ ناچیز به جز ربا نمی‌تواند محسوب شود. نوع این ربا، ربای قرضی است» (علیان، ۱۴۱۶هـ/ ۱۹۹۶م، ص ۱۵۸).

از آن جایی که ربا همان زیادت و مبلغ اضافه بر دین و سرمایه از طرف بدهکار به طلبکار در قبال مدت‌زمان معلوم و مشروط می‌باشد، لذا ربا از سه جزء ذیل تشکیل می‌گردد:

۱. زیادت و اضافه بر سرمایه ۲. معین نمودن براساس مدت‌زمان ۳. شرط کردن آن در معامله (همان).

مفهوم این سخن آن است که هر معامله‌ای که دارای یکی از این سه شرط باشد، معامله ربوی خواهد بود و این سه نوع را می‌توان در عقد بیمه مشاهده کرد به این دلیل که:

اولاً: بیمه‌گذار با گرفتن پولی که به شرکت پرداخت است، بهره آن را نیز که به آن افزوده شده بازپس می‌گیرد و این بهره همان ربا است به‌عنوان مثال در بیمه عمر، پولی را که در مقابل قسط‌های منظم خود از شرکت بیمه دریافت می‌کند. بیشتر از پولی است که پرداخت کرده است.

ثانیاً: در برخی مواقع هم با حق بیمه کمی که پرداخته، پول بسیاری را دریافت می‌دارد و این معاوضه نقد قلیل با نقد زیاد است که ربا محسوب می‌شود.

ثالثاً: شرکت‌های بیمه حق بیمه‌های پرداختی توسط بیمه‌گذاران در معاملات ربوی به کار می‌برند و معامله کردن با این نوع شرکت‌ها در واقع کمک به عمل حرام است.

از نکات پیش‌گفته نتایج زیر استنباط می‌شود:

۱. دلیل ربوی بودن معامله بیمه از نظر مخالفین بر این فرض استوار است که حق بیمه پرداخت توسط بیمه‌گذاران به بیمه‌گذار، جنبه قرض دارد.

۲. شرکت بیمه حق بیمه‌های بیمه‌گذاران را در معاملات ربوی به کار می‌برد. آنچه درخصوص توجیه قرارداد بیمه عمر از جهت ربوی نبودن آن باید ذکر گردد این است که جدای از بحث تورم و کاهش ارزش پول در طول زمان، همان‌گونه که امام خمینی (ره) فرموده‌اند: چنانچه در بیمه عمر شرکت‌های بیمه به منظور تشویق و ترغیب مردم تعهد کنند که علاوه بر مبلغ حق بیمه، مبلغی نیز به صورت اضافی بپردازند، این پول اضافی که بیمه‌گر به بیمه‌گذار می‌پردازد از قبیل ربای قرض نیست؛ زیرا پرداخت اقساط به عنوان قرض نیست (اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۴۵۱).

نگارنده معتقد است: بیمه عقدی است مستقل که در ضمن عقد چنین شرطی نیز انجام گرفته است و چنین شرطی نیز جایز و مؤثر و لازم‌الوفا بوده و در نتیجه اشکالی در آن نخواهد بود.

۲- قمار، گرویندی و رهان: مفهوم لغوی قمار و رهان به معنای فریب و نیرنگ و رهان به معنای مخاطره و ریسک کردن است.

مفهوم شرعی قمار و رهان عبارتست از: هر عقدی که در آن یکی از دو طرف عقد در معرض خسارت بدون عوض باشد که دیگری - سودکننده - آن را به دست آورده است. اصل در تحریم قمار و رهان این قول پروردگار است که می‌فرماید: (یا ایها الذین آمنوا ائما الخمر و المیسر و الأنصاب و الأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون) (مائده/ ۹۰). در این آیه لفظ «المیسر» شامل تمام انواع قمار می‌شود؛ چون که لفظ عام است (علیان، ۱۴۱۶هـ/ ۱۹۹۶م، ص ۱۶۹).

«قمار عقدی است که به موجب آن فرد قمار باز تعهد می‌کند که به طرف مقابل در صورت ضرر و باخت، مقداری پول یا هر چیز دیگر که به آن توافق کنند، بپردازند و رهان عقدی است که به موجب آن فرد مراهن تعهد می‌کند که

در صورت صادق نبودن سخنش در واقعه‌ای غیرمحقق به طرف مقابل که سخنش راست و صادق شده است، مقداری پول یا هر چیز دیگر که به آن توافق کند، پرداخت نماید» (السنهوری، صص ۹۸۵-۹۸۶).

تنها نقطه‌ای که در آن تردید در اعتبار حقوقی قراردادهای بیمه عمر میان سیستم حقوقی اسلام و «کامن‌لا» به اشتراک وجود دارد، بحث قمار و شرط‌بندی بودن قراردادهای بیمه عمر است. در یک پرونده انگلیسی شرط‌بندی از سوی قاضی «هاوکینز» چنین تعریف شده است:

«قرارداد شرط‌بندی، قراردادی است بین دو شخص مشروط بر رویداد حادثه‌ای نامعلوم در آینده. طرفین تعهد می‌نمایند که در صورت وقوع رویدادی یکی از طرفین مبلغی را به دیگری بپردازد. هیچ‌یک از طرفین غیر از پیروز شدن یا باختن، وابستگی دیگری به قرارداد ندارند» (J.Beatson, 1998, P.337).

واقعیت این است که احتمالی بودن قراردادهای بیمه عمر از نظر خطری که مورد بیمه واقع می‌شود، این خطر را تقویت می‌کند که قمار و شرط‌بندی برای دریافت مبلغ مندرج در قرارداد بیمه صورت گیرد. چنانچه گفته خواهد شد در حقوق کامن‌لا با لازم دانستن شرطی به نام «لزوم وجود منفعت قابل بیمه میان بیمه شده و ذی نفع» سعی در محدود نمودن این اعمال نامشروع شده است. با این وجود در حقوق کشورمان مسلماً علی‌رغم سکوت قوانین و مقررات بیمه‌ای در این خصوص شرکت‌های بیمه در صورت احساس تبانی و معاملاتی از این قبیل باید از انعقاد قرارداد خودداری نمایند.

تردیدی در حرمت و بطلان قمار و هر نوع توافقی مبتنی بر آن با صراحت آیات قرآنی وجود ندارد (بقره/ ۲۱۹ و مائده/ ۹۰). ولی با این وجود قرارداد بیمه عمر را نباید به‌طور کلی در ردیف قمار و گروپندی محسوب داشت؛ زیرا قمارباز

با انجام قمار، خود را در معرض خطر از دست رفتن مال قرار می‌دهد و حال آنکه بیمه‌گذار با انجام بیمه خود را از خطر می‌رهاند (بهره‌ور، ۱۳۳۶ش، ص ۶۴). پس قراردادهای بیمه عمر نه تنها همانند قمار و گروبنندی مذموم نیست؛ بلکه مورد شناسایی قانون و فقها نیز قرار گرفته است.

۳- تحدی با قضا و قدر: یکی دیگر از شبهه‌های عقد بیمه شبهه تحدی با قضا و قدر الهی است. آنها چنین اعتقاد دارند که بیمه کردن و بیمه شدن مفهوم تحدی و مبارزه با قضا و قدر الهی دارد و شخصی به تحدی با قضا و قدر الهی می‌پردازد، اما در حقیقت، امر به گونه‌ای دیگر می‌باشد؛ زیرا بیمه مانع وقوع حادثه نمی‌شود و حتی شرکت بیمه چنین ادعایی ندارد، بلکه حقیقت موضوع این است که بیمه بعد از وقوع قضا و قدر و محقق شدن خطر به جبران خسارت اقدام می‌کند (مجرکش، ص ۱۳۴).

از طرفی دیگر زمان و تاریخ وقوع قضای الهی از اختصاص پروردگار جهانیان است که هرگاه اراده کند، آن را بر هر کسی که می‌خواهد نازل می‌سازد، به این دلیل که خداوند سبحان می‌فرماید: «ما اصاب من مصیبه فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها ان ذلک علی الله یسیر» (حدید/ ۲۲). در حقیقت تحدی با قدر امری فراتر از توان است و جز انسان دیوانه کسی دیگر نمی‌تواند ادعای چنین قدرت و اعتقادی داشته باشد.

در حقیقت بیمه علاوه بر دارا بودن جنبه و ماهیت تعاون و همکاری، پیشگیری برای جبران خسارت و عمل به احتیاط و حذر و اخذ به اسباب و مستببات نیز می‌باشد. اگر وسایل و ابزارهای حمایت و پیشگیری در دنیای امروز که مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها را آسان می‌سازد بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که اولاً؛ صبر به همراه خشوع و فروتنی و رضا در مقابل درگاه باری تعالی در

درجه اول قرار دارد، ثانیاً: به منظور تحمل خسارت و ضرر کمتر در صورت وقوع حادثه در آینده به بهترین و متقن‌ترین وسیله و ابزار پناه می‌بریم که امروزه عقد بیمه بهترین و محکم‌ترین وسیله برای توزیع و سرشکن کردن خسارت به شمار می‌رود، بنابراین عقد بیمه به معنای تحدی با قضا و قدر نبوده است و برداشتن چنین مفهومی از عقد بیمه ناشی از عدم درک و مطالعه عمیق این عقد می‌باشد.

۴- غرری بودن: غرر در لغت به معنای خدعه و گول زدن است و اگر گفته شود: غره الشیطان، یعنی شیطان او را فریب داد و به باطل دعوت نمود. مفهوم شرعی غرر، چیزی است که عاقبت آن مجهول باشد یا امری که وجود و عدم در آن مساوی است.

فقها تعاریف گوناگونی از غرر ارائه نموده‌اند:

سرخس حنفی آن را چنین تعریف کرده: «چیزی که عاقبت آن مجهول باشد غرر است».

قرافی مالکی می‌گوید: «غرر آن امری که حصول و عدم حصول آن مشخص نیست مانند پرنده‌ای در هوا»

ابن حزم می‌گوید: «غرر آن است که مشتری نداند چه خریده و فروشنده نداند چه فروخته است» (الزحیلی، صص ۴۳۶-۴۳۷).

از این تعاریف چنین می‌توان نتیجه گرفت که بیع غرری، معامله‌ای است که در آن به یکی از دو طرف عقد ضرر می‌رسد و مال او تباه می‌شود.

«غرر از حیث تأثیرش در صحت عقد به دو قسم تقسیم می‌شود: غرر مؤثر و

غرر غیر مؤثر.

غرر مؤثر غرری است که عقد را فاسد می‌کند و آن هنگامی است که

ضرورتی در میان نباشد.

غرر غیرمؤثر غرری است که در صحت عقت تأثیری ندارد، بلکه عقد به قوت و صحت خود باقی است و آن هنگامی است که غرر، اندک یا زیاد باشد، ولی بنا به ضرورت در عقد تأثیری ندارد، اما در تبرعات غرر به هر مقدار باشد در صحت آنها تأثیری ندارد؛ زیرا هیچ‌گونه ضرری به شخص متبرع نمی‌رسد» (سنهوی، ص ۴۹).

پیرامون غرری بودن یا نبودن یک قرارداد همواره باید «بنای عقلا» را مبنا قرار داد و از این‌رو، برای مثال: اگر عقلا، بیمه‌گذار را در اقدام به انعقاد قرارداد بیمه عمر نکوهش و سرزنش نکنند، باید این قرارداد را فاقد ایراد دانست.

در حال حاضر دیدگاه مثبتی از نظر عرف جامعه نسبت به قراردادهای بیمه عمر از هر قسم وجود دارد و به همین جهت نمی‌توان آنها را غرری دانست؛ زیرا غالب مردم به‌عنوان عقلا احترام به انعقاد این قراردادها می‌نمایند، پس از این جهت که چنین معاملاتی عقلایی به حساب می‌آید، باید با استناد به قاعده معروف «کلّمَا حکم به العقل حکم به الشرع»، قراردادهای بیمه عمر را مشروع به حساب آورد.

همچنین در معنای بیع غرری گفته شده است: بیع غرری عبارت است از داد و ستدی که یکی از دو عوض در معرض خطر یعنی در شرف هلاکت و از دست رفتن و تلف و تباه شدن باشد (نراقی، ص ۳۰). از این‌رو برخی فقیهان (میرزای قمی، ص ۱۱۳ و ۱۷۰) بر عرفی بودن غرر تصریح کرده‌اند که «مناط در بطلان بیع مجهول، غرر و سفاهت است در عرف و عادت» یعنی غرر تابع عرف و عادت است. غرری که در عرف و عادت مسامحه در آن نمی‌کنند، مبطل بیع است و غرر عبارت از احتمال خطری است که عرفاً از آن اجتناب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اگر

کسی آن را انجام دهد، نکوهش و توبیخ می‌شود و جهلی که چنین نباشد، غرر نامیده نمی‌شود (نراقی، ص ۳۲).

ماده ۲۱۶ قانون مدنی نیز در این باره اشعار می‌دارد: «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است».

برخی از دانشمندان حقوق اسلامی به دلیل راه یافتن جهالت در عقد بیمه و غرری بودن آن عقد بیمه را باطل دانسته‌اند. در مقابل برخی فقیهان بیمه را عقدی مستقل، لازم و صحیح دانسته‌اند. به نظر ایشان بیمه عقدی غرری نیست تا مشمول نهی قرار گیرد.

«مخالفان، به حدیث نبوی «نهی النبی عن بیع الغرر» برای بطلان بیمه استدلال کرده‌اند، ولی گفته می‌شد که نهی در حدیث، مختص به بیع است و هر معاوضه و معامله‌ای را شامل نمی‌شود؛ یعنی کلامی مانند: «نهی عن بیع الغرر» و شبیه آن از پیامبر اکرم (ص) نقل نشده است تا به اطلاق و تعلیل آن عمل شود. تنها موارد خاصی از معاملات غرری را مانند بیع ملاقیح (نتیجه لقاح شتران نر از ایجاد بچه‌ها)، بیع مضامین (بچه‌های حیوان که هنوز به دنیا نیامده‌اند) ضربه الغائص (بیع آن چه غواص در آینده به دست می‌آورد) و ضربه القانص (بیع آن چه در دام صیاد از ماهیان یا حیوان و پرند به دست می‌آید) نهی فرموده است» (اسبوع الفقه الاسلامی، ص ۴۰۲). «این موارد همگی مربوط به بیع است و شمول آن بر غیر بیع مشکل است و تسری حکم غرر از بیع به دیگر معاملات و عقود بدون دلیل است» (مجله فقه اهل بیت، ص ۲۸).

باید دید منظور از غرر در عقد بیمه چیست؟ اگر مقصود از غرر، فریفتن و گول زدن است، این معنا در عقد بیمه منتفی است؛ چون بیمه‌گر و بیمه‌گذار با آگاهی کامل از شرایط مقرر و مضبوط در بیمه‌نامه، بیمه را قبول می‌کنند و بنابر

احوال بیمه‌ای، هیچ یک نمی‌تواند قصد فریفتن و گول زدن دیگری را داشته باشد چون در آن صورت اصل قرارداد بیمه باطل خواهد شد.

عنصر احتمال و ابهام در بیمه‌نامه عمر، برای بیمه گذار وجود ندارد؛ زیرا آنچه مربوط به بیمه گذار است اقساط بیمه‌ای است که وی می‌پردازد و نیز تأمین است که در ازای آن، به دست می‌آورد و این تأمین بر حصول خطر متوقف نیست تا کسی بگوید: وقوع خطر نامعلوم است. در بیمه عمر اگر بیمه شده فوت کند، ورثه او دچار نابسامانی می‌شوند. بیمه‌گر در پی دادن تأمین و رفع ناراحتی و اضطرابی است که ممکن است بر اثر حادثه، در مال یا جان او رخ دهد. کار بیمه‌گر این است که به او تأمین دهد و همین عمل ارزش دارد. تعهدی که بیمه‌گر می‌دهد مشمول حدیث «المؤمنون عند شروطهم» است: هر کس تعهدی کرد باید تعهد خود را وفا کند. شرط در این حدیث به معنای قرارداد است یعنی مؤمن پای شرط خود ایستاده است و هر شرط و تعهد و قراری که می‌گذارد باید روی آن بایستد و از آن تخلف نکند (مطهری، ص ۲۸۳-۲۸۵).

۵- اکل مال به باطل: باطل، ضد حق است و در شرع هر امری که در مقابلش چیز حقیقی با ارزش نباشد و یا هر چیزی که شرعاً حلال نباشد، مانند سرقت و غصب و ربا و قمار و غش و غیره.

حرام بودن خوردن مال به باطل بر هر مسلمانی پوشیده نیست؛ زیرا که خداوند عزوجل می‌فرماید: (و لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل) (بقره / ۱۸۸) و منظور از خوردن آنها به باطل یعنی خوردن آنها از راه‌هایی غیر از راهی که خداوند سبحان مباح نموده است (علیان، ص ۱۷۶).

بر هیچ کس پوشیده نیست که منظور از خوردن مال، استعمال و استفاده از آن است و از آنجایی که هدف اصلی و غالب از مال خوردن بوده لذا شارع مقدس، خوردن به کار برده است.

رابطه بیمه با خوردن مال باطل بدین نحو است (محمود آل محمود، ص ۳۰۴): به پنج دلیل به نظر می‌رسد بیمه نوعی خوردن مال به باطل می‌باشد:

اولاً: چه بسا بیمه‌گذار در صورت عدم وقوع خطر بیمه شده نتواند قسطی که به شرکت بیمه پرداخت نموده دوباره به دست آورد در این صورت قسطی که بیمه‌گر از بیمه‌گذار دریافت می‌کند، قسط بدون مقابل و عوض خواهد بود که همان خوردن مال به باطل است.

ثانیاً: چه بسا شرکت بیمه به مقدار پرداختی خود و در صورت تحقق خطر، قسطهای بیمه را دریافت نکند و آن هنگامی است که بیمه‌گذار به عنوان مثال یک قسط بیمه را پردازد و خطر واقع شود که در این صورت بیمه‌گذار تمام مبلغ بیمه را دریافت می‌نماید و این همان خوردن مال به باطل است.

ثالثاً: هرگاه بیمه‌گذار بعد از عقد قرارداد یا بعد از پرداخت مثلاً یک قسط بیمه فوت کند در این صورت او مستحق تمام مبلغ بیمه می‌باشد و دریافت این مبلغ به وسیله او بدون پرداخت عوض و مقابل مساوی، خوردن مال به ناحق است و همچنین اگر بیشتر از قسطهای پرداختی پول دریافت کند، در زمره ربا و حرام است.

رابعاً: همانگونه که در صورت عدم تحقق خطر بیمه شده، شرکت بیمه ملزم به پرداخت مبلغ بیمه نمی‌باشد، دریافت و پرداخت مبلغ بیمه مشروط به حادث شدن خطر بیمه شده است و در این صورت معنا و مفهوم قمار که حرام است، محقق می‌شود.

خامساً: عقد بیمه مشتمل بر شروط فاسد است و سودمند بودن این عقد با این شروط فاسد، آن را از دایره باطل خارج نمی‌سازد و گرچه برای گروهی از مردم مصلحت و مفید است؛ زیرا ضرر نیز به‌عنوان مثال از راه تجارت و مانند آن مفید و سودمند است و بر این اساس مناط و علت اباحه در هر امری که خداوند سبحان مباح نموده، وجود سود یا فایده نیست؛ زیرا هر عقدی که شارع آن را باطل اعلام نموده از فایده و سود نبوده است و نهی شارع حکیم از این گونه عقود بر عدم اعتبار این فایده دلالت دارد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا باید بیمه‌گر متعهد به پرداخت مبلغی بیش از آنچه بیمه‌گذار پرداخت نموده، در پایان موعد قرارداد به ذی نفع بیمه‌ای باشد، آیا این از مصادیق اکل مال به باطل نیست؟ در مواردی نیز خطر موضوع قرارداد اتفاق نمی‌افتد و بر این اساس بیمه‌گر از مسؤلیت بری می‌شود، چرا او بتواند به باطل مبلغ حق بیمه را تصاحب کند و مسترد نکند؟

در خصوص استفاده ذی‌نفع باید گفت آنچه بیمه‌گر دریافت می‌دارد لزوماً بدون کار و تلاش و اکل مال به باطل نیست، حتی اگر به دلیل عدم حدوث خطر ملزم به پرداخت منفعت بیمه‌ای نگردد. زیرا «شرکت‌های بیمه وجوهی را در قبال اخذ اقساط از بیمه‌گذاران هزینه و خرج می‌کنند و در نتیجه وجوهی که به‌عنوان اقساط دریافت می‌شود. بلاجهت و بلاعوض نبوده و از مصادیق اکل مال به باطل یا استفاده بلاجهت و غیرعادلانه و یا دریافت وجوه بدون عوض نخواهد بود» (عرفانی، ۱۳۷۱، صص ۱۱۱ و ۱۱۲).

۶- التزامی که شرعاً واجب نیست: یکی دیگر از شبهه‌های مخالفین عقد بیمه این است که در عقد بیمه التزام و تعهدی وجود دارد که این التزام شرعاً واجب و لازم نیست، زیرا در شریعت اسلام، التزام سه مورد است: عقد و کفالت و تعدی و

اتلاف و از آن جایی که کفالت مشتمل بر بیمه نمی‌شود و در ارکان با هم متفاوتند و از طرف بیمه‌گر تعدی و اتلاف صورت نگرفته است، تا ضامن باشد و لذا این تعهد و الزام شرعاً درست نیست و در نتیجه عقد بیع باطل و فاسد می‌باشد (الزرقاء، صص ۲۴-۲۸).

به نظر می‌رسد هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای وجود ندارد که عقد بیمه با کفالت شباهتی داشته باشد و شرایط کفالت بر آن منطبق نمی‌باشد؛ به‌عنوان مثال: قسط در عقد بیمه رکن است که ما این رکن را در کفالت و ضمان مشاهده می‌کنیم و از طرفی دیگر کفالت براساس تبرع و احساس صورت گیرد.

مطرح کردن اشکال کفالت و تعدی و اتلاف بر عقد بیمه وارد نیست؛ زیرا شرایط کفالت قابل انطباق بر بیمه نمی‌باشد و تعدی و اتلاف از طرف بیمه‌گر صورت نگرفته است و به صرف اینکه عقد بیمه در داخل این اسباب التزام - کفالت و تعدی - قرار نمی‌گیرد نمی‌توان نامشروعیت آن را نتیجه گرفت و به همین علت اشکال را باید در موضوع عقد جستجو نمود.

۷- غبن: مفهوم لغوی غبن فراموش کردن و جهل نسبت به یک امر و گول زدن است و مفهوم شرعی غبن عبارت است از زیان و خسران متعاملین در حین معامله به این معنا که یکی از دو عوض با دیگری نابرابر باشد، به‌طوری که کمتر یا بیشتر از قیمتش باشد.

غبن بر دو نوع است: غبن کم و غبن فاحش (الزحیلی، ج ۴، صص ۲۲۱-۲۲۲).

غبن کم: غبنی است که از حدود تقویم مقوم خارجی نباشد یعنی تقدیر و تخمین کارشناسان آن را شامل شود.

غبن فاحش: عبارت از عدم توازن عادی در مبادلات می‌باشد یعنی از حدود تقویم کارشناسان خارج باشد و این نوع غبن در نظر بعضی فقها چون حنابله در

صحت عقد مؤثر واقع می‌افتد و آن را غیرلازم می‌سازد، اما از نظر شافعیّه و حنفیه تأثیری بر صحت عقد ندارد؛ مگر اینکه همراه با تعزیر و فریب کاری باشد. رابطه بیمه با غبن از این قرار است که هرگاه بیمه‌گذار از پرداخت اقساط سرباز زند و در این مدت زمانی که او از پرداخت قسطها ناتوان است یا امتناع کرده، خطر بیمه شده واقع شود، در این صورت شرکت بیمه ملزم به ضمان و جبران خسارت نیست و علاوه بر آن بقیه اقساط به تأخیر افتاده را نیز از او مطالبه می‌کند. آیا عادلانه است که علی‌رغم عدم ضمان و جبران خسارت از طرف شرکت بیمه، بقیه قسطهایی که بیمه‌گذار از پرداخت آنها ناتوان شده است، از او مطالبه کند؟

گاهی هم در معاوضه در عقد بیمه، بین قسط پرداختی توسط بیمه‌گذار و مبلغ بیمه که شرکت بیمه در صورت وقوع خطر پرداخت می‌کند، صورت می‌گیرد که این خطر ممکن است واقع نشود و در نتیجه اقساطی که بیمه‌گذار پرداخته است ضایع و تباه گردد.

آنچه که از این استدلالها واضح و آشکار است، آن است که فرضیه‌های مخالفان بیمه بر معاوضه بودن عقد بیمه استوار و بنا شده‌اند و هرگاه معاوضه‌ای بودن عقد بیمه را پذیرفتیم، باید توالی آن را بپذیریم؛ یعنی باید غرر و غبن و جهالت و ربا و موانع و شبهه‌های دیگر در آن نباشد تا حکم به صحت آن داده شود و آنهایی که عقود بیمه را به عقودی چون ضمان و هبه معوض تشبیه و قیاس کردند، در حقیقت کار آنها بیشتر توجیهی است تا اینکه براساس واقعیت و استدلال علمی باشد؛ زیرا که هرگز بیمه‌گذار به نیت هبه معوض، اقساط بیمه را پرداخت نمی‌کند، بلکه به این هدف و منظور پرداخت می‌کند که در صورت وقوع خطر مبلغ معینی دریافت کند و باز پس گرفتن اقساط پرداخت شده از

طرف او در صورت عدم تحقق خطر امری است که به حکم قانون از عهده او خارج است «و از جمله قواعد شریعت که هدم آن جایز نمی‌باشد این است که در تصرفات و عبارات، مقاصد و اعتقادات معتبر است» (ابن القیم الجوزیه، ج ۳، ص ۱۰۷). بنابراین با پذیرفتن عقد بیمه به‌عنوان یک عقد معاوضه‌ای و احتمالات وقوع و عدم وقوع خطر و نامشخص بودن قسط‌های پرداختی توسط بیمه‌گذار و مبلغ بیمه توسط بیمه‌گر در هنگام عقد، قرارداد بیمه دارای شبهه غرر می‌باشد.

۸- بیع امان: یکی دیگر از شبهه‌های بیمه، بیع امان است و منظور از بیع امان این است که محل عقد در بیمه به ادعای موافقان عقد بیمه، امان و امنیت است، یعنی بیمه‌گر متعهد می‌شود در ازای قسط‌هایی که از بیمه‌گذار دریافت می‌کند، امان و امنیت به او بدهد. به تعبیری بهتر ا و را بیمه‌کند و از آن‌جایی که امان، شی نیست که محل خرید و فروش واقع شود، لذا عقد بیمه به خاطر نامعلوم بودن محل عقد، باطل است (علوان، ۱۴۱۶ هـ ص ۳۶).

از طرفی دیگر بیع امان و اطمینان، خدمتی اجتماعی است که باید دولت به آن اقدام کند و در صورت کوتاهی و تقصیر از انجام این خدمات در مقابل باری تعالی گناهکار و مورد بازخواست واقع شود، نه اینکه شرکت‌های بیمه برای سود برخی افراد را بیمه کنند و به‌خصوص بیمه عمر که برخی از اقدام آن سود فراوان دارد.

استاد مصطفی الزرقاء در جواب این شبهه چنین می‌گوید: ممکن است گفته شود که امان، مال در قبال عوض نیست. در جواب باید گفت که مهم‌ترین ثمره‌های زندگی امان است که خداوند در رابطه با قریش نسبت به آنان منت نموده است آنجا که می‌فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي اطعمهم من جوعٍ و آمنهم من خوفٍ» (قریش / ۳) و در حقیقت انسان در طول زندگی‌اش به منظور حصول و دسترسی به امان و آرامش روانی برای خود و خانواده‌اش نهایت تلاش و

کوشش خود را می‌نماید و گرانبهاترین چیزها را در این راه فدا می‌کند. پس در شریعت اسلام چه دلیلی وجود دارد که ثابت کند خرید و حصول آرامشی و ضمان در قبال عوض ممنوع باشد؟ (الرزقاء، صص ۵۲-۵۳)

۹- عقدی معلق: یکی از شروط صحت عقد تنجیز ذکر شده است یعنی عقد باید منجّز باشد. عقد منجّز چنین تعریف شده است: «عقد منجّز آن است که تأثیر آن بر حسب انشا موقوف به امر دیگری نباشد والا معلق خواهد بود» (منصور، ماده ۱۸۹). هرگاه طرفین عقد، اثر ناشی از آن را بدون هیچ قید و شرطی بوجود آورند عقد را منجّز گویند. تعریف عقد معلق نیز از مفهوم مخالف عقد منجّز مشخص می‌شود، یعنی در صورتی که اثر منظور در عقد، موکول به وقوع شرط دیگری باشد، عقد معلق است.

به عقد بیمه این ایراد شده است که عقدی معلق است، چون تعهد بیمه‌گر به پرداخت خسارت موکول به حدوث خطر و ایجاد خسارت یا حادثه فوت در بیمه عمر می‌باشد و حادثه مورد بیمه ممکن است اتفاق بیفتد و یا نیفتد و عقدی که در آن تعلیق باشد، به حکم اجماع باطل است (حسینی مراغی، ج ۲، ص ۲۰۴ و گرجی، ج ۱، ص ۳۱). پیش از مبحث، درباره اعتبار شرط تنجیز در صحت و صورت‌های مختلف تعلیق در شرط ابتدا باید اقسام تعلیق به‌طور کلی را بررسی کنیم که یا در اصل انشای عقد است یا در منشأ و اثر عقد مانند ملکیت و تعهد و یا در متعلق عقد.

در مورد تعلیق در انشا، برخی محققان، تعلیق در انشا را در امور اعتباری ممکن شمرده و قیاس اعتبار با جهان خارج را رد کرده‌اند به نظر آنان چون ایجاد امور اعتباری، به قصد انشا کننده وابسته است، هیچ مانعی ندارد که بنابر حاکمیت اراده او، انشا نیز منوط به امور خارجی باشد (حکیم، سیدمحسن، نهج‌الفقاهه، ج ۱، ص ۱۰۸ و ۱۰۹).

تنها دلیل بر اشتراط تنجیز در عقد، اجماع است که اجماع نیز اولاً: در همه عقود ثابت نیست و قدر متیقن از اجماع، خصوص بعضی از عقود مانند بیع است و ثانیاً: اجماع ادعایی، تعبدی نیست که کاشف از قول معصوم (ع) باشد. به علاوه قرآن مجید بر صحت عقد تعلیقی برخی عقود مانند ضمان، دلالت دارد؛ مانند آیه شریفه «و لمن جاء به حمل بعیر و انا به زعیم» (یوسف / ۷۱) که بر ضمانت تعلیقی دلالت دارد.

پس در قرارداد بیمه، انشا و تعهد ناشی از آن روشن و مشخص است فقط انجام تعهد معلق به وقوع حادثه (مثلاً فوت در بیمه عمر) و ایراد خسارت است و دلیلی بر این که تعلیق در بیمه، موجب بطلان عقد بیمه است وجود ندارد (حسینی مراغی، ج ۲، ص ۱۹۹).

۱۰- **عقدی سفهی:** عده‌ای معتقدند که بیمه عمر سفیهانه است؛ زیرا بیمه‌گذار احیاناً مبالغ بسیاری به شرکت بیمه‌گر می‌پردازد و در برابر آن چیزی دریافت نمی‌کند. بیمه‌گر هم گرچه مبلغی دریافت می‌کند، اما با بروز حادثه و وقوع خسارت، مبلغی چندین برابر قسط بیمه‌ای که دریافت کرده است، می‌پردازد و چنین معامله‌ای سفهی است برخی از فقها نیز علت بطلان معامله مجهول را سفهی بودن آن ذکر کرده‌اند. اگر معامله‌ای در عرف غرری و سفهی باشد باطل است. «مناط در بطلان بیع مجهول، غرر و سفاهت است» (میرازی قمی، ج ۲، ص ۱۷۰).

با توجه به این که ادله صحت عقد و تجارت، امضای معاملات عقلایی‌اند و عقد سفهی، معامله عقلایی نیست تا مقتضی برای صحت آن وجود داشته باشد (گرجی، ج ۱، ص ۳۱).

بدیهی است کسانی که به این معامله اقدام می‌کنند، حساب کار خود را به خوبی کرده و تجاری را اندوخته‌اند و با محاسبه و سنجش، نوع کالای مورد

تقاضای بیمه را می‌پذیرند، خطر مورد بیمه را محاسبه می‌کنند، اقساط بیمه‌ای را با میزان خسارت احتمالی مقایسه می‌کنند و براساس اصول آماری و ملاحظه سوابق، اقدام به پذیرش آن می‌کنند. بیمه‌گذار نیز کمترین نفعی که از پرداخت اقساط بیمه می‌برد، گرفتن تأمین است. اقدام عقلاً بر بیمه عمر و گسترش روزافزون آن شاهد بر معقول بودن آن است و سفاhti در آن راه ندارد (حلی، ص ۳۶).

۱۱- تعهد به نفع شخص ثالث: در قراردادهای بیمه، مسائل متعددی وجود دارند که به لحاظ پاره‌ای از اصول حاکم بر عقود قابل توجه و بررسی‌اند یکی از آنها تعهد به نفع شخص ثالث است. شکل بارز تعهد به نفع ثالث در قرارداد بیمه مسؤولیت مدنی و برخی قراردادهای بیمه عمر و حوادث اشخاص که در آنها به سود اشخاص ثالث یا استفاده‌کنندگان، بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار توافق‌هایی حاصل می‌شود نمایان است.

شخص ثالث عبارت است از: هر شخصی که خواه مستقیماً و خواه توسط نماینده صلاحیت‌دار خود در معامله دخالت نداشته است، یعنی اشخاصی که طرف قرارداد و قائم‌مقام او نباشند. در بیمه عمر، بیمه‌گر تعهد می‌کند که در صورت فوت یا حیات بیمه شده، در زمان مشخص، مبلغ معینی را به شخص یا اشخاص معین در قرارداد بیمه بپردازد. در بیمه عمر شخص بیمه شده ممکن است خود بیمه‌گذار باشد یا شخص دیگری، همان‌طور که ممکن است دریافت‌کننده وجوه بیمه‌ای از بیمه‌گر، خود بیمه شده باشد یا شخص دیگر.

حقوقدانان اروپایی تحت تأثیر نیازها و تحولات اجتماعی، ناچار به پذیرش تعهد به نفع شخص ثالث شدند و از طرفی به تحلیل ماهیت حقوقی و توجیه خریدپذیر اصل شخصی بودن قراردادها پرداختند (محقق داماد، ص ۱۵).

استاد مطهری در بیمه عمر معتقد است که بیمه به شرط فوت و حیات تقسیم می شود، در بعضی موارد احتمال شبهه ربا وجود دارد، بلکه در بعضی اوقات اساس معامله ربا است و بیمه به صورت یک امر فرعی می شود (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۸۲).

در بیمه به شرط فوت، بیمه گر متعهد می شود که در قبال مبلغی پول و در مدت معینی در صورت مرگ بیمه گذار مبلغ معینی به ورثه بیمه گذار بپردازد. همچنین شخص سومی می تواند کسی را بیمه کند و در ازای پرداخت مبلغی به صورت سالیانه شرط کند که در صورت مرگ آن شخص مبلغ معینی را از بیمه گر دریافت کند. لذا در بیمه به شرط فوت که شخص سومی قرارداد می بندد، ممکن است آرزو کند که نفر دوم در طول مدت مقرر فوت کند تا مبلغی پول از موسسه بیمه دریافت کند، از این جهت معامله ای مکروه است.

در بیمه به شرط حیات قضیه برعکس است و ممکن است در این حالت موضوع برای بیمه گر غیراخلاقی و مذموم باشد، زیرا در این نوع بیمه، قرارداد بدین صورت بسته می شود که اگر تا تاریخ معینی شخص بیمه گذار فوت نکند، موسسه بیمه پرداخت مبلغ معینی را متعهد شود؛ ولی در صورت فوت بیمه گذار در آن مدت مشخص موسسه وجهی پرداخت نخواهد کرد؛ لذا در این حالت موسسه بیمه است که آرزو دارد بیمه گذار در آن مدت معین فوت کند.

البته صرف اینکه معامله ای امر خلاف واقع باشد، باطل نخواهد بود؛ ولی در مواقعی که معامله به ربا آلوده شود، باطل خواهد شد. مثلاً در بیمه به شرط حیات ممکن است حق بیمه در همان ابتدای قرارداد یک جا پرداخت شود تا در صورت زنده بودن بیمه گذار بعد از مدت معین (مثلاً ۱۰ سال) مقدار پول بیشتری از مؤسسه بگیرد.

در این صورت می‌توان گفت که پول اصلی با نزولش در آن مدت به بیمه‌گذار پرداخت شده است که از نظر شرعی درست نیست؛ چراکه: ماهیت این معامله ربایی است و مسأله بیمه هم در کنارش به صورت فرعی مطرح است.

ب- بررسی ادله موافقین بیمه عمر

در جهان تشیع نیز فقها بر دو گروه مخالف و موافق بیمه عمر هستند، ولی اکثر مراجع تقلید ضمن رد ادله مخالفین، قائل به جواز بیمه هستند و آن را به عقود محصور در کتب فقهی چون صلح و هبه معوض و ضمان معوض و... قیاس نموده‌اند و گاهی آن را عقدی مستقل و مؤید به ادله عمومی از قرآن و سنت دانسته‌اند. مهمترین ادله موافقان عبارت است از:

۱. آیه: "اوفوا بالعقود" ۲. عرف عقلا ۳. تطبیق با تعاون و تکافل ۴. تطبیق با صلح ۵. تطبیق با ضمان ۶. تطبیق با اجاره ۷. تطبیق با ودیعه ۸. تطبیق با مضاربه ۹. اصل صحت در عقود.

۱- آیه شریفه «اوفوا بالعقود»: در مورد مدلول امر در آیه شریفه «اوفوا بالعقود» (مائده/ ۱) دو نظر وجود دارد:

الف- امر در آیه، بیانگر حکم تکلیفی و مولوی است.

ب- امر در آیه، ارشاد به لزوم عقد است.

برخی از فقیهان، مانند محقق اصفهانی و شیخ انصاری، معتقدند که امر در آیه، مولوی است. برخی دیگر از فقیهان، مانند محقق نایینی و آیت‌الله خویی، معتقدند که امر در آیه، ارشادی است و هر یک، در تقریب نظر خود، استدلال خاصی را بیان کرده‌اند (انصاری، ص ۲۱۵). اما در هر حال، آیه بر لزوم و صحت عقد دلالت دارد. اگر مدلول آیه، ارشادی باشد، دلالت آن بر لزوم عقد به دلالت مطابقی

خواهد بود. لزوم عقد بر صحت آن دلالت دارد؛ چون لزوم عقد، متفرع بر صحت عقد است؛ یعنی وقتی عقدی لازم‌الوفا باشد و فسخ کردن آن، بی اثر، قطعاً آن عقد صحیح است؛ زیرا صحت به معنای ترتب اثر بر عقد است.

اما در مواردی که شارع نظر خاصی نداشته، آن موارد، مشمول عمومات و اطلاعات ادله‌ای است که شارع به صورت کلی بیان فرموده است؛ از جمله: همین آیه «أوفوا بالعقود» که هر عقد عرفی را دربر می‌گیرد و شامل معاملات جدید، که در عصر نزول آیات و صدور روایات متداول نبوده‌اند، نیز می‌شود. همه عقود جدید که از نظر عقلاً دارای منفعتند و مفسده‌ای که منشأ نهی شارع باشد، در آنها نیست، مانند عقد بیمه و سرقفلی، مشمول این آیه و صحیح‌اند.

۲- عرف عقلا: چون بیمه تمام دنیا را فرا گرفته و به صورت یک عرف عام درآمده است و شریعت اسلام، عرف مردم را معتبر دانسته است. پس بیمه به خاطر تبدیل شدن آن به صورت عرف عام و تمایل مردم به آن، امری مشروع و جایز می‌باشد.

مفهوم شرعی عرف هر امری است که نفوس و سرشت‌های پاک با گواهی عقول آن را بپذیرند و نسبت به آن آرام گیرند. یا هر چیزی که مردم به آن عادت نمایند و در گفتار یا کردار به آن عمل کنند و بدیهی است که عرف عقلا، بیمه را به‌عنوان وسیله آرامش و اطمینان در زندگی پذیرفته‌اند که هم اکنون صنعت بیمه بدین‌گونه گسترش یافته است.

این تعریف مشتمل بر عرف قولی و عرف عملی است. عرف از حیث عام و خاص به دو نوع تقسیم می‌شود:

عرف عام آن است که اکثریت مردم در زمانی از زمان‌ها به آن عمل کنند. مانند عقد استصناع و عرف خاص آن است که مردم شهر یا ناحیه یا گروه معینی از مردم به آن عمل نمایند (محمد الزبیدی، ج ۶، ص ۱۹۱).

همچنین عرف از حیث اعتبار و مشروعیت به دو قسمت تقسیم می‌شود: عرف صحیح عرفی است که مخالف دلیل شرعی نباشد؛ یعنی: حلال را حرام و حرام را حلال نسازد؛ مانند: تقسیم مهر به مقدم و مؤخر و عرف فاسد عرفی است که مخالف دلیل شرعی است یعنی: حرام را حلال و حلال را حرام می‌سازد، مانند: رقص در جشن‌ها.

پس باید نگاه مردم به بیمه را دگرگون ساخت و مفهوم حقیقی و تعاون بیمه را از خلال تبرع حق بیمه‌ها توسط بیمه‌گذار، در سطح جامعه گسترش داد، و به تعبیری دیگر عرف و ذهنیت مردم نسبت به بیمه و به خصوص بیمه عمر دگرگون ساخت.

۳- تطبیق با تعاون و تکافل: فقهای موافق بیمه می‌گویند که فعالیت‌های شرکت بیمه براساس تعاون و همکاری میان بیمه‌گذار آن استوار است؛ یعنی: به وسیله قسط‌هایی که آنان به بیمه‌گر پرداخت می‌کنند، به جبران و دفع خسارت می‌پردازند و شرکت بیمه فقط یک واسطه است که به جمع‌آوری و به کارگیری قسط‌ها می‌پردازد؛ یعنی: بیمه‌گر حکم نماینده بیمه‌گذاران دارد.

مفهوم لغوی تعاون در لغت به معنای کمک و همکاری و از عون مشتق شده است. مفهوم شرعی تعاون کمک و همکاری در عمل خیر و نیک است؛ یعنی هر عملی که خداوند به آن دستور داده باشد و دلیل تعاون در شریعت اسلام قول پروردگار سبحان است که می‌فرماید: «و تعاونوا علی البرّ و التقوی و لاتعاونوا علی الأثم و العدوان» (مائده/ ۲).

شکی وجود ندارد که طبیعت بیمه براساس تعاون استوار بوده است و هرگز قابل تصور نیست که شرکت بیمه بتواند عمر خود را با یک بیمه گذار ادامه دهد و به همین دلیل وجود تعداد زیادی از بیمه گذاران شرط ادامه حیات آن است. در ماهیت عمل بیمه امر تعاون قابل ملاحظه است، بدون اینکه بیمه گذاران به وجود آن پی ببرند.

۴- تطبیق با صلح: یکی از عقود قابل انطباق با عقد بیمه، عقد صلح است. برخی از فقیهان و حقوقدانان اسلامی، عقد بیمه را با عقد صلح مقایسه و تطبیق کرده‌اند و از راه انطباق صلح با بیمه، به مشروعیت بیمه فتوا و نظر داده‌اند.

صلح به معنای تراضی و تسالم بر کاری است. صلح در اصل برای رفع تنازع و تشاجر و حل دعاوی از راه مسالمت و سازش و سازگاری وضع شده است. نصوص و ادله‌ای که بر صحت و مطلوبیت صلح دلالت دارند و در عین حال، اشعار به این نکته دارند که صلح برای رفع تنازع یا نزاعی که احتمال وقوع آن هست و از روایاتی که بر روا بودن صلح دلالت دارند و به دلیل اطلاق آن‌ها صلح ابتدایی را نیز شامل می‌شوند، چند روایت را می‌آوریم:

مرحوم کلینی از امام صادق (ع) روایت می‌کند که قال امام (ع): «الصلح جایز بین الناس».

مرحوم صدوق روایت مرسله‌ای را بدین صورت نقل می‌کند: قال رسول الله (ص): «الصلح جائز بین المسلمین الا صلحاً احلّ حراماً او حرّم حلالاً» (حر عاملی، ج ۱۳، باب ۳).

روایت اخیر، فروان مورد استناد فقها قرار گرفته است. هم‌چنین ذیل آیه ۱۷۴ از سوره نساء که می‌فرماید: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» بر مطلوبیت صلح به نحو مطلق دلالت

دارد. علاوه بر آنچه ذکر شد، عقل نیز مستقلاً بر مطلوبیت صلح، دلالت دارد و همه طوایف اسلامی نیز بر مشروعیت صلح اتفاق نظر و اجماع دارند. بنابراین آنچه گفته شد، صلح، عقدی مستقل و قائم به خویش است و تابع دیگر عقود نیست.

به نظر برخی فقیهان (گرجی، ج ۱، ص ۳۰) از جمله مواردی که می‌توان بیمه را بر آن عرضه کرد، باب صلح است، بدین طریق که طرفین بر این امر صلح می‌کنند که یکی از آن دو، که شرکت بیمه‌گر باشد، خسارتی را که به طرف دیگر وارد می‌شود، برعهده بگیرد، مشروط بر این که طرف دیگر، مقداری از مال خود را به او بدهد. همچنین ممکن است، بیمه‌گذار هر ماه مبلغی معین به شرکت بیمه بدهد، به این شرط که اگر خسارتی به مال یا جان او رسید، شرکت بیمه از عهده آن خسارت برآید. بیمه‌گذار مال خود را برحسب قسط بندی، با بیمه‌گر صلح می‌کند به شرط این که هرگاه در اموال او آتش‌سوزی، غرق، تلف یا دزدی رخ دهد، آن را جبران کند. بیمه‌گر هم آن را قبول می‌کند و بر این صلح، هیچ‌گونه اشکالی نیست. در این صورت می‌توان عقد بیمه را مصداق صلح مشروط به تحمل خسارت دانست.

با توجه به عمومات ادله صحت عقود که شامل عقد صلح نیز می‌شوند و همچنین ادله‌ای مانند «الصلح خیر» و «الصلح جایز» که بر صحت و نفوذ عقد صلح دلالت دارند و با توجه به مفهوم گسترده‌ای که عقد صلح نزد فقیهان امامیه دارد و شامل صلح ابتدایی نیز می‌شود، عقد صلح گستره فراوانی از عقود و معاملات مستحدث و نامعین، از جمله عقد بیمه، را شامل می‌شود.

۵- تطبیق با ضمان: فقهای که قایل به مشروعیت بیمه هستند، عقیده دارند (علیان، ص ۴۵) که قرارداد بیمه از حیث ارکان و اهداف شبیه عقد ضمان است و

ایجاب و قبول در عقد بیمه همان عین ایجاب و قبول در ضمان است و وجود مضمون عنه در حقیقت و ماهیت ضمان هیچ تأثیری ندارد و اساس در عقد ضمان همان وجود سه رکن: ضامن، مضمون‌له و مضمون می‌باشد. پس ارکان عقد بیمه مانند ارکان ضمان است و چون عقد ضمان شرعاً درست است، پس معامله بیمه نیز به همین دلیل جایز و شرعاً درست می‌باشد.

اما از حیث غایات و اهداف، بیمه و ضمان از این لحاظ مشترکند که دنیای معاصر به علت پیشرفت سریع تکنولوژی و صنعتی انباشته از آسیب‌ها و خطرات است، به طوری که مردم به منظور حمایت و پیشگیری از آسیب‌ها و زیان‌ها به بیمه پناه و ضمان هر دو به عنوان وسیله‌ای از وسایل نگهداری و حفظ اموال و حقوق مردم شناخته می‌شوند.

بر این اساس که ضمان عین معوض صحیح است، ادله ضمان و عقود، شامل بیمه، خصوصاً بیمه اشیا می‌شوند؛ چون در بیمه اشیا، ضامن، مالی را که نزد صاحبش موجود است، تضمین می‌کند که اگر خسارتی بر آن وارد آید یا کلاً تلف شود، ضامن عهده‌دار خسارت آن است. البته تعهد بیمه‌گر، مشروط است به این که مضمون‌له یا صاحب کالا به ضامن پول بدهد. ضامن (بیمه‌گر) به صاحب کالا (بیمه‌گذار) می‌گوید: برای یک سال، ضامن مال تو هستم به شرط این که مبلغ پول معینی را پردازی، و ضامن هم از این پیشنهاد را می‌پذیرد. با توجه به اینکه بیمه، نوعی ضمان انشایی در عین خارجی، مشروط به پرداخت عوض است و ارکان سه‌گانه بیمه، در این نوع ضمان وجود دارد، به صحت و مشروعیت بیمه از راه انطباق بیمه با ضمان، فتوا داده‌اند.

۶- تطبیق با اجاره: فقهای موافق عقد بیمه برای مشروعیت بیمه، آن را به اجاره قیاس نموده و گفتند (علیان، ص ۴۵) که در هر دوی بیمه و اجاره نگهبان، تحقیق

امن وجود دارد و همان‌گونه که اجاره کردن نگهبان در اسلام مشروع است، بیمه نیز به علت اشتراک هر دو در تحقیق امان، صحیح و مشروع است. دلیل دیگر آنان نیز ضمان ضرر لاحق به عین اجاره به وسیله مستأجر است.

آنها بیمه را به اجاره نگهبان و صحت ضمان مستأجر نسبت به شیء محل اجاره، قیاس نمودند و در نتیجه به صحت و جواز عقد بیمه فتوا دادند. اما در حقیقت این ادعا و قیاس آنان نمی‌تواند دلیل و حجّتی برای آنان باشد. در حقیقت چنین باید گفت که بیمه و اجاره گرچه در تحقق امنیت تا حدودی با هم اشتراک دارند، اما به صرف اشتراک دو امر در بعضی از آثار و نتایج نمی‌توان احکام دیگری را بگیرند و به همین علت برای جواز و مشروعیت عقد بیمه باید دلیل دیگری را جستجو نمود.

۷- تطبیق با ودیعه: یکی دیگر از ادله فقهای موافق بیمه (همان، ص ۷۵)، قیاس عقد بیمه با ودیعه به علت مصلحت در آنهاست. همان‌گونه که شرکت بیمه از تمام قسطهای بیمه‌گذاران در ازای ضمان شیء بیمه شده استفاده می‌کند، شخص ودیعه‌پذیر نیز هرگاه به خاطر حفظ و نگهداری ودیعه برای او جعل و پاداشی در نظر گرفته شود، سود می‌برد و هرگاه ودیعه از بین برود یا تلف شود، او ضامن است.

مطابق با تعریف و ارکان و شروط ودیعه می‌توان نتایج ذیل را استنباط نمود:

- ۱- ودیعه می‌تواند مال و غیر مال باشد.
- ۲- ودیعه، امانت است و هرگاه شخص ودیعه‌پذیر آن را پذیرفت ملزم به حفظ و نگهداری از آن می‌باشد.
- ۳- ملکیت ودیعه همواره از آن ودیعه‌گذار است و شخص ودیعه‌پذیر حق تصرف در آن را ندارد.

۴- ودیعه، عقدی تبرّعی است و ودیعه‌پذیر دارای اختیار قبول و ردّ آن است.

۵- ودیعه، فقط محض توکیل و نیابت در حفظ و نگهداری است.

۶- عقد ودیعه با ودیعه‌گذار و ودیعه‌پذیر و عین و صیغه واقع و حاصل

می‌شود.

این دسته از دانشمندان بیمه را به علت وجود مصلحت در بیمه و ودیعه، آنها را با همدیگر قیاس نمودند. اما در حقیقت، دلیل آنان نمی‌تواند ادعایشان را ثابت کند چون هیچ تشابهی با عقد ودیعه چه از نظر حکمت و چه از نظر اهداف و مقاصد ندارد و قیاس بیمه با ودیعه صحیح نمی‌باشد و نمی‌تواند دلیلی بر صحت قرارداد بیمه باشد.

۸- تطبیق با مضاربه: فقهای موافق بیمه عقیده دارند که در عقد بیمه نفع مشترکی میان شرکت و بیمه‌گذاران وجود دارد و در عقد مضاربه نیز میان این صاحب مال و عامل - مضارب - نفع مشترک قابل ملاحظه می‌باشد و همان‌گونه که مضاربه در اسلام مشروع است پس به خاطر وجود سبب در هر دو معامله، بیمه مشروع می‌باشد.

یکی از تفاوت‌های میان بیمه و مضاربه این است که اصل سرمایه، در مضاربه مشخص است؛ اما در بیمه عمر که مقدار وجوه بیمه‌ای که به صورت اقساط پرداخت می‌شود و سرمایه بیمه را تشکیل می‌دهد، عملاً نامشخص است؛ زیرا تعداد اقساط پرداختی، منوط به عمر بیمه‌گذار است و مدت عمر افراد معلوم نیست تا با احتساب دفعات پرداخت اقساط بیمه، سرمایه بیمه‌گذار نزد شرکت بیمه مشخص گردد.

با توجه به تفاوت‌هایی که بین بیمه و مضاربه مطرح است، دورترین عقد فقهی به بیمه، از میان عقود چون ضمان، صلح، هبه و جعاله، عقد مضاربه است و این

دو قابل مقایسه نیستند تا از راه عقد مضاربه قرارداد بیمه تصحیح شود؛ زیرا بیمه و مضاربه، از نظر عرف و احکام شرع، هیچ شباهتی با یکدیگر ندارند.

۹- اصل صحت در عقود: منظور از اصل صحت در این جا، اصل عملی (دلیل فقهاتی) نیست، بلکه منظور، دلیل اجتهادی است؛ یعنی آیا از ادله شرعی استفاده می‌شود که دلیلی بر صحت عقود اقامه شود و از اصل اولی فساد، حکم عقود خارج شود و بر صحت آن دلالت کند؟

باید به ادله اجتهادی، چون کتاب و سنت، بنگریم و ببینیم از مفاد آیات و روایات صحیح، درباره حکم عقود و معاملات، چه چیزی استفاده می‌شود، آیا اطلاق یا عمومی وجود دارد که بر صحت عقود دلالت کند و به‌عنوان یک اصل، بر صحت عقود مستحدث و نامعین، مورد استناد قرار گیرد یا نه؟

به بیان دیگر، آیا از منابع اصلی فقه، یعنی کتاب و سنت، قاعده یا اصلی استخراج می‌گردد که صحت عقود را اثبات کند؟ مثلاً دو نفر با رضایت، ایجاب و قبولی را واقع ساخته‌اند و دلیلی بر منع آن مورد وجود ندارد، آیا دلیلی بر صحت چنین عقدی که می‌دانیم از لحاظ ادله، ممنوع نیست، وجود دارد یا نه؟ یعنی آیا دلیل اجتهادی داریم تا ما را از بن بست اصل اولی خارج سازد؟

بنابراین فساد معامله‌ای که قبل از شارع اسلام متداول بوده یا بعداً پدید آمده است، نیاز به دلیل دارد والا صحت معامله از تقریر و امضای شارع استکشاف می‌شود؛ زیرا اگر امری بین مردم متداول بوده و شارع در مورد آن علم و حساسیت داشته و بر منع آن تصریح نکرده باشد، می‌توان از این سکوت شارع استظهار کرد که آن عقد صحیح است؛ زیرا فساد معامله نیاز به بیان و دلیل دارد.

درست است که این عقود، مستحدث و نو هستند، اما اگر نهی و منع شرعی، که به‌صورت قانون کلی بیان شده، شامل آن‌ها نشود، می‌توان به لحاظ عرفی بودن

عقود، به صحت آنها قائل شد؛ مثلاً: عقد بیمه، اگر مشمول ربا، غرر و دیگر ممنوعات شرعی نباشد، دلیل بر بطلان آن نیست.

شارع درباره عقود و معاهدات عرفی، قواعد را به صورت کلی و مطلق بیان فرموده است. این ادله شرعی، مشتمل بر اصل و معیاری کلی هستند و شامل معاملات جدید، که در عصر شارع و زمان صدور روایات متداول نبوده‌اند، نیز می‌شوند و همه معاملات عرفی و عقلایی و مفید، که مورد نهی شارع قرار نگرفته‌اند، صحیح و معتبرند.

نتیجه

با توجه به واقعیت‌های امر بیمه و نقش آن در زندگی انسان، معامله بیمه به عنوان یک موضوع مستحدث، مورد بررسی فقهی قرار گرفته است و با توجه به تقسیم کلی‌ای که در مورد شکل بیمه، شده است، یعنی بیمه تعاونی یا تبادلی و بیمه خصوصی یا بازرگانی، دیدگاه فقیهان و صاحب نظران حقوق اسلامی درباره حکم فقهی بیمه متفاوت است.

برخی از حقوقدانان اهل سنت نیز عقد بیمه را حرام و باطل دانسته‌اند؛ زیرا به نظر ایشان بیمه عقدی جدید است و شباهتی با عقود معهوده فقهی ندارد. اینان ادله صحت عقود را به عقود متعارف معنی کرده‌اند و اصطلاحاً نظریه حصری بودن عقود را برگزیده‌اند. غیر از این، به نظر ایشان اشکال‌هایی، مانند التزام مالایلم و شبهه قمار و ربا و غرر، در عقد بیمه وجود دارد که قابل دفع نیستند.

برخی از آنها نیز بین اقسام بیمه تفضیل داده‌اند و بیمه عمر را به دلیل شبهه ربا، نادرست دانسته‌اند؛ اما بیمه اشیا را در مواردی صحیح دانسته‌اند.

بدیهی است که بیمه معامله‌ای عقلایی است و عقلاً بیمه را کاری پسندیده و مفید برای فرد و جامعه می‌دانند و رغبت و اشتیاق به آن، استریح است، در برابر خدمتی که ارائه می‌دهد و مقصود بیمه‌گذار از آن، احیاناً دفع زیان‌های احتمالی است. اگر بیمه عقدی سفهی و عملی غیرعقلایی بود، عقلاً بر آن اقدام نمی‌کردند و در جوامع بشری امروز رواج چشمگیری نمی‌یافت. بیمه نه تنها یک عقد عقلایی است، بلکه بخش جدایی‌ناپذیر نظام مالی در هر کشور است. بیمه در توسعه کشور نقش مهمی را ایفا می‌کند. همان‌گونه که اقتصاد امروز، بدون بانک و نظام‌های پولی و اعتباری رونق ندارد، بدون بیمه نیز قلمرو فعالیت‌های اقتصادی، محدود می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم - (۱۳۸۴). خط عثمان طه. قم: مرکز چاپ و نشر قرآن کریم الهادی اسلامی. علی - (۱۳۶۹). ترجمه تحریر الوسيله امام خمینی (ره). قم: دفتر انتشارات اسلامی السنهوری، عبدالرزاق - الوسیط، ج ۷
- اسبوع الفقه الاسلامی،
الزرقاء . مصطفى - (۱۹۶۵ق.). عقد التامین. بیروت: دارالفکر
الزحیلی، وهبه - الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۴،
ابن القيم الجوزیه - اعلام الموقعین عن رب العالمین، بیروت، دار الجیل، ج ۳
بهره‌ور - مبحث حقوقی بیمه، مجله ماهانه کانون وکلای دادگستری، س ۹، ش ۴، مرداد و شهریور
۱۳۳۶
- حکیم، سید محسن - منهاج الصالحین . چاپ چهارم . انتشارات لطفی . تهران ۱۳۵۳ش
حر عاملی - وسائل الشیعه ج ۱۳ ، باب ۳
حسینی مراغی، میرعبدالفتاح - العناوین، ج ۲،
حکیم، سیدمحسن - نهج الفقاهه، ج
حلی، شیخ حسین - بحوث فقهیه،
رشیدی، رضا، محمد و بهجه البیطار، محمد - الربا و المعاملات فی الاسلام، الطبعة الاولى، دار ابن زیدون
۱۴۰۶ هـ ۱۹۸۶ م،
عرفانی، توفیق - قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران . چاپ اول . انتشارات کیهان ۱۳۷۱ش
علوان، عبدالله - حکم الاسلام فی التأمین، مصر، داراسلام، ۱۴۱۶ هـ
علیان، شوکت محمد - التأمین فی الشریعه و القانون، الطبعة الثالثة، دارالشواف، ریاض، ۱۴۱۶ هـ ۱۹۹۶ م
محمد الزبیدی - تاج العروس، ج ۶
انصاری، مرتضی - المكاسب ، کتاب البیع
گرجی، ابوالقاسم - مقالات حقوقی، ج ۱، ص ۳۱
مطهری، مرتضی - بررسی فقهی مسأله بیمه. انتشارات میقات . پائیز ۱۳۶۱.
میرزای قمی - جامع الشتاب، ج ۲،
مجرکش، محمد عادل - تلاقی الاسلام و تأمین فی الغایات و الأهداف.
منصور، جهانگیر - قانون مدنی ایران، ماده ۱۸۹.
محمود آل محمود، عبداللطیف - التأمین الاجتماعی فی ضوء الشریعه السلامیه.

محقق داماد، سیدمصطفی - مقاله تعهد به نفع شخص ثالث، مجله تحقیقات حقوقی، ص ۱۵
محمدی گیلانی - مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره اول، ۱۳۷۴، مقاله بیمه
مطهری، مرتضی - مسأله ربا به ضمیمه بیمه، ص ۲۸۳-۲۸۵
نراقی، ملااحمد - عوائد الایام
وهبه الزحیلی - الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۴

J.Beatson, Anson's Law of Contract, 27th ed, Oxford University Press,
1998, P.337

یادداشت شناسه مؤلفان

رضا پرتوی زاده بنام: دانش آموخته دوره دکتری رشته فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد
علوم و تحقیقات تهران (نویسنده‌ی مسئول)

نشانی الکترونیک: rezapar45@hotmail.com

سید محمدرضا آیتی: دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۵/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۷/۱۹